



بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس



این انقلاب در همه امت اسلام بود.

جریان موالی، تربیت شدگان امام سجاد (ع)

اینکه شما شنیدید امام سجاد (ع) هر سال ماه رمضان که

می‌شد، غلامان خودشان را آزاد می‌کردند و آن‌ها را در راه خدا آزاد می‌نمودند، در حقیقت برنامه خاصی حضرت داشتند. بعد از آزاد کردن این‌ها، دوباره یک عده غلام می‌خریدند و یک سال این‌ها را تربیت می‌کردند، هم در عرصه اندیشه‌های سیاسی این‌ها را تربیت می‌کردند و هم در عرصه‌های دینی و عبادی. این‌ها پرورش‌یافتگان امام سجاد (ع) بودند و بعد این‌ها را آزاد می‌کردند. این‌ها به‌صورت مهره‌های فعال انقلابی در میان امت پخش می‌شدند و جریانی را به وجود آوردند به نام جریان موالی.

کار این جریان موالی، توسعه عاشورای امام حسین (ع) و تبیین شهادت ابی‌عبدالله (ع) و در نتیجه توسعه جریان امامت و ولایت در امت اسلام بود. به وسیله موالی، امام سجاد (ع) در قالب یک جریان سیاسی، کربلا را نهادینه کردند.

کارهایی که خود حضرت انجام می‌دادند، عمدتاً در مقام احیای انقلاب کربلا بود. اینکه شنیدید امام سجاد (ع) آب می‌دیدند گریه می‌کردند، گوسفند را در حال ذبح‌شدن می‌دیدند گریه می‌کردند، خوب این گریه‌های امام سجاد (ع) از این باب نبود که بگوییم امام سجاد (ع) به یاد کربلا نبودند. وقتی آب می‌دیدند، به یاد لب‌های

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

سه رهبر انقلاب کربلا

امروز سالروز شهادت جانگداز امام چهارم، زین‌العابدین (ع) است. شهادت جانگداز این امام بزرگوار را به محضر مقدس شما برادران و خواهران تسلیت عرض می‌کنم. انقلاب کربلا دارای سه رهبر بود: یک رهبر مقدمه‌ساز، یک رهبر اجرایی و یک رهبر نهاده‌ساز. رهبری که زمینه انقلاب را در طی ده سال به وجود آورد، وجود مقدس امام مجتبی (ع) بودند. کیفیت فعالیت سیاسی و امامت آن حضرت در طی ده سال، افشاگر تمام جنایات بنی‌امیه بود. زمینه یک انقلاب ضد بنی‌امیه و ضد حکومت اموی را در حقیقت به وجود آورد و این زمینه عامل اجرایی‌اش، امام معصوم، وجود مقدس امام مجتبی (ع) بودند.

رهبر اجرایی انقلاب کربلا، وجود اقدس سیدالشهدا (ع) بودند که عملیات انقلابی کربلا را انجام دادند. امام سجاد (ع) رهبر نهاده‌ساز این انقلاب بود. آنچه که ما امروز از برکات انقلاب کربلا چه در جامعه خودمان و چه در جهان مشاهده می‌کنیم، معلول برنامه‌ها و طرح‌ها و فعالیت‌های نهاده‌سازی وجود مقدس امام سجاد (ع) بوده است. وجود مقدس امام سجاد (ع) چهار سال بعد از انقلاب عاشورا امامت کردند. در این ۴۰ سال، محور تمام فعالیت‌های سیاسی آن حضرت فقط زنده نگه‌داشتن عاشورا، توجه‌دادن مردم در عصر و نسل بعدی به جریان مظلومیت سیدالشهدا (ع) و تأسیس یک جریان سیاسی به منظور توسعه



سجاده این را گفتند. زن‌ها شروع می‌کردند به شیون و ضجه‌زدن. این خانه‌ای که محل عروسی و جشن بود، در این محله یک‌پارچه می‌شد مجلس تعزیه، ضجه، ناله، اشک و شیون. اهل محل می‌ریختند چه اتفاقی افتاده که این عروسی خانه یک‌باره به اشک و ضجه مبدل شده است. وقتی آنها می‌شنیدند، اهل محل شروع می‌کردند گریه‌کردن. از یک محله مدینه، نصف شب‌ها، ساعت‌های آخر شب، صدای ضجه و ناله بلند می‌شد. شهر متوجه می‌شدند؛ شهر نصف شب می‌شد محل عزاداری سیدالشهدا (ع). این کار یک بار نبود، ۴۰ سال این برنامه ادامه داشت.

حضرت در بازار رد می‌شدند. در آن زمان رسم بر این بود که گوسفند را قصاب در مغازه خودش ذبح و سلاخی می‌کرد و گوشتش را می‌فروخت.

رد می‌شدند، می‌دیدند، می‌خواهند یک گوسفندی را ذبح کنند. حضرت می‌گفتند: «این گوسفند را آب دادید، می‌خواهید سر از بدنش جدا کنید؟» می‌گفتند: «ما قصاب‌ها گوسفند را آب نداده ذبح می‌کنیم.» حضرت سرشان را می‌گذاشتند به پایه دیوار دکان قصابی در بازار شروع می‌کردند به های‌های گریه‌کردن: «یک گوسفند را آب می‌دهند بعد سر از بدنش جدا می‌کنند؛ اما

پسر پیغمبر (ص) را با لب تشنه سر از بدنش جدا کردند.» مردم بازار رد می‌شدند، می‌دیدند امام سجاده (ع) سر به دیوار دارد گریه می‌کند، علتش را سؤال می‌کردند. وقتی حضرت بیان می‌کردند، جمعیت شروع می‌کرد گریه‌کردن. وسط روز، بازار مدینه می‌شد یک‌پارچه ضجه و ناله در عزای سیدالشهدا (ع). این کار ۴۰ سال ادامه پیدا کرد. کربلا زنده ماند و به‌صورت یک انقلاب نهادینه درآمد با همت امام سجاده (ع).

امروز بدن مسموم امام سجاده (ع) روی دست مردم مدینه بلند شد. وقتی که امام باقر

تشنه ابی‌عبدالله (ع) می‌افتادند و گریه می‌کردند یا وقتی گوسفند را می‌دیدند، به یاد شهادت و سر بریده سیدالشهدا (ع) اشک می‌ریختند. این نبوده؛ این در واقع اجرای یک طرح تبلیغاتی و تبیینی بسیار کامل عیار در توسعه عاشورا و انقلاب کربلا بود. از وضع عادی امام سجاده (ع) با دیدن آب گریه نمی‌کردند.

امام سجاده (ع) احیاگر یاد عاشورا

شب مهمانی بوده، فرض کنید ولیمه عروسی می‌دادند در بین بنی‌هاشم. امام سجاده (ع) در جلسه حاضر بودند. خوب در آن زمان رسم این بود که وقتی سفره می‌انداختند، قبل از اینکه سفره را پهن کنند و غذا بیاورند، آب‌دست می‌آوردند و تمام حضار دست‌هایشان را می‌شستند؛ چون با دست غذا

می‌خوردند. آب دست می‌آوردند برای اینکه افراد دست‌هایشان را بشویند. امام سجاده (ع) به عنوان بزرگ‌تر مجلس بود. اول این آب را خدمت حضرت می‌بردند. همین که آب روی دست‌های حضرت می‌ریختند، حضرت شروع می‌کردند گریه‌کردن و می‌فرمودند: «برای شستن دست شما آب آوردید، اما پسر پیغمبر (ص) را با لب تشنه کشتند.» این را که می‌گفتند، جمعیت شروع می‌کرد گریه‌کردن، صدای گریه از مجلس مردانه بلند می‌شد و به مجلس زنانه می‌رسید. آنها می‌گفتند: چرا مردها گریه می‌کنند؟ می‌گفتند: حضرت

انقلاب کربلا دارای

سه رهبر بود: یک رهبر مقدمه‌ساز، یک رهبر اجرایی و یک رهبر نهادینه‌ساز. رهبری که زمینه انقلاب را در طی ده سال به وجود آورد، وجود مقدس امام مجتبی (ع) بودند. کیفیت فعالیت سیاسی و امامت آن حضرت در طی ده سال، افشاگر تمام جنایات بنی‌امیه بود.

ایران چین تا ابد پیروز

بردارم، اما دست‌هایم با غل جامعه بسته بود. عمامه‌ام سوخت، آتش به سرم رسید. سرم آسیب دید.

خدایا، به مظلومیت امام سجاد^{علیه السلام}، شهدای عزیز ما را، امام شهید مظلوم بزرگوارمان را با شهدای کربلا محشور بفرما. خدایا، نقطه انتقام از این مظلومیت‌ها را به

دست توانمند وجود اقدس بقیه‌الله، نقطه فرج و ظهور آن حضرت تعجیل بفرما. ارواح طیبه شهدا، روح مطهر امام راحل، روح مطهر امام شهید مظلوم ما را از اشک و عشق ما بهره‌مند بگردان. سایه پربرکت مقام معظم رهبری را بر سر ما مستدام بدار. دشمنان ناپاک ما که دشمنان اهل بیت پیغمبر^{صلی الله علیه و آله} هستند، از صفحه روزگار برانداز.

حضرت در بازار رد می‌شدند. در آن زمان رسم بر این بود که گوسفند را قصاب در مغازه خودش ذبح و سلاخی می‌کرد و گوشتش را می‌فروخت. رد می‌شدند، دیدند، می‌خواهند یک گوسفندی را ذبح کنند. حضرت می‌گفتند: ...

علیه‌السلام می‌خواستند بدن را غسل بدهند، لباس از بدن امام سجاد^{علیه السلام} بیرون آوردند. بعضی‌ها دیدند اثر یک زخم کهنه‌ای بالای شانه و گردن امام سجاد^{علیه السلام} وجود دارد. از حضرت سؤال کردند: «آقا، پدر شما هیچ وقت در میدان جنگی شرکت نکرده، در کربلا بوده آن هم به میدان نرفته. این اثر زخم کهنه از کجاست؟»

اگر از شما می‌پرسیدند، شما چه جواب می‌دادید؟ جز این بود که می‌گفتید: که این اثر همان غل جامعه‌ای است که چهل منزل بر گردن امام سجاد^{علیه السلام} بوده است.

این جریان را خود امام سجاد^{علیه السلام} برای مردم مدینه نقل کرده‌اند: وقتی ما را وارد شهر شام کردند، ما را به محله یهودی‌ها بردند. یک نفر صدا زد: ای جماعت یهودیان، می‌دانید این‌ها چه کسانی هستند؟ این‌ها فرزندان همان کسی هستند که شما را از

خیبر بیرون کرد، شما را از مدینه اخراج کرد، فرزندان را اسیر کردیم و آوردیم. وقتی صدای منادی بلند شد، از بالای خانه‌ها و پشت‌بام‌ها، هر یهودی هر چه به دستش بود به طرف ما پرتاب کرد. شروع کردند به ما سنگ‌زدن. یک عده از زن‌های یهودی بالای پشت‌بام‌ها تشت‌ها را پر از آتش کرده بودند و روی سر ما می‌ریختند. یک زن یهودی تشت پر از آتش را روی سر من ریخت. یک گل آتش روی عمامه من افتاد، عمامه‌ام شروع کرد به سوختن. من باید عمامه‌ام را از سرم برمی‌داشتم، آتش به سرم آسیب نزنند. می‌خواستم عمامه‌ام را



بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس



کردند، مردم عراق هم استقبال کردند. این ظاهر قضیه است؛ اما پشت سر قضیه دشمن تحلیل‌های دیگری دارد. برادران و خواهران، از روزی که مدرنیسم به وجود آمد، در دو جنگ جهانی که دنیا عمدتاً

غربی‌ها به راه انداختند. این دو جنگ جهانی نتیجه‌اش تکه‌تکه کردن امت اسلام و سلطه غرب بر ملت‌های مسلمان شد، که هم بر منابع ثروت مسلمان‌ها مسلط بشوند، هم بر شئون سیاسی مسلمان‌ها تسلط پیدا کنند، یک غده نامشروع سرطانی در دل این‌ها برای اینکه سلطه خودشان را نهادینه کنند به نام اسرائیل به‌وجود آوردند. این محصول تمام فعالیت‌های دو قرن نوزدهم و بیستم بود که دنیای غرب به‌وجود آورد برای اینکه امت اسلام را از هم بپاشند و جریان اجتماعی به نام امت یکتا و یکپارچه اسلام، باقی نماند. از روز اول هم تمام وحشتشان از این بود که روزی مسلمان‌ها با هم یک‌پارچه بشوند، یک روزی امت اسلام متحد شود.

این تشییع جنازه‌ای که در عراق انجام گرفت، این اقبال و استقبال مردم در نجف و کربلا که بروز پیدا کرد، این نشان داد که آن مرحله یکپارچگی امت اسلام فرا رسیده است. دیگر امت اسلام ایران و عراق ندارد. همان هیجان و احساسی که در مردم ایران در برابر شهادت جانگداز امام مظلومشان مشاهده می‌شود، همان هیجان و احساس در مردم عراق در برابر

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

تشییع پیکر رهبر شهید در عراق، بیانگر یکپارچگی امت اسلام

بنده به عنوان یک طلبه، وظیفه خود می‌دانم از این احساسات پرشور و هیجانات فوق‌العاده خالصانه شما ملت و مردم این کشور و امت اسلام در این تشییع جنازه تشکر داشته باشم. آنچه که در این عرصه در برابر دید جهانیان قرار گرفت، یک نماد با عظمت از آثار وجود مقدس مولای ما بقیه‌الله و توجه خاص در همه مردم جهان به یک وجود اقدس آسمانی است که می‌تواند همه مشکلات زندگی مردم را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی حل کند و برای انسان‌ها مدینه فاضله‌ای در زندگانی آن‌ها به وجود بیاورد. آن وجود اقدس بقیه‌الله است. این تشییع جنازه با این عظمت، ولو در مقام دلدادگی به امام شهید مظلوم بود، ولی در حقیقت نماد یا مانور بسیار شفاف و گویایی از عظمت وجود مقدس امام زمان در برابر دید جهانیان قرار گرفت. لذا بنده تشکر می‌کنم از این همه احساس، از این همه هیجان، از این همه دلدادگی خالصانه و مخلصانه به اهل‌بیت پیغمبر که در شهادت جانگداز یک امام مظلوم شهید وابسته به اهل‌بیت رسول‌الله، این‌گونه شما مردم و شما امت، بروز دادید.

آنچه که خیلی مهم‌تر از تشییع جنازه مقام معظم رهبری شهید در داخل کشور بود، عظمت این حرکت در سرزمین عراق بود. خوب، ظاهر قضیه این است که جنازه را بردند برای زیارت قبر سیدالشهدا در نجف و کربلا، تشییع

شهادت این امام مظلوم شهید کاملاً حصول پیدا می‌کند و این یکپارچگی امت را به دنیای غرب به عنوان یک خطر قطعی این تشییع جنازه گوشزد کرد؛ لذا رئیس‌جمهور دیوانه آمریکا عصبانی شد از این حرکت و از این تشییعی که در عراق صورت گرفت و رسماً اعلام کرد: «دیگر من به تفاهم کاری ندارم.» چون به این نتیجه رسید که تفاهم اثری ندارد. حالا بیاید با یک عده هم بنشینند تفاهم کند در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی یک کشور هم تفاهم کند، مسئله مقام معظم رهبری شهید، مسئله شهید ایران نبود. ما شعار می‌دهیم «شهید ایران»، «امام ایران»، اما شهید ایران نبود، امام ایران تنها نبود؛ شهید امت اسلام بود، امام امت اسلام بود. یک رهبر جهان اسلام را این‌ها به شهادت رساندند و جهان اسلام یکپارچه در برابر این شهادت قیام کردند و به حرکت درآمدند.

شهادت رهبر یک انقلاب، عامل تضمین و توسعه آن

دیشب در تشییع و نماز مقام معظم رهبری شهید، یکی از بزرگان مطلبی را به بنده فرمودند:

در آن زمانی که سردار صفوی فرمانده سپاه بودند و سپاه ولی‌امر را ایشان بنیان‌گذاری می‌کردند، امام^ع اعتراض کردند که چطور یک سپاه برای ولی‌امر باید به وجود بیاید و به چه مناسبت تشکیل بشود؟ ایشان جواب داد: الان ما مطمح نظر آمریکا و اسرائیل هستیم، این‌ها یک روزی به ما حمله‌ور خواهند شد و یک جا حمله می‌کنند؛ لااقل مقام رهبری در یک امنیتی باشد که در آن صورت بتواند جریان را مدیریت کند. گفت: امام جواب ایشان را دادند، مقام معظم رهبری جواب دادند و فرمودند: «اگر یک روزی این‌طور بشود که آمریکا و اسرائیل یک جا حمله کنند، دیگر این انقلاب به یک رهبر شهید احتیاج دارد، یک رهبر شهید لازم دارد.» یعنی پیش‌بینی از آن روز این بود که شهادت یک رهبر، انقلاب را نه تنها تضمین می‌کند، انقلاب را توسعه می‌دهد.

برادران و خواهران، انقلاب امروز ما با انقلاب

۶ ماه گذشته ما خیلی فرق کرده است از نظر توسعه، نفوذ و قدرتش در جهان و در امت اسلام. آنچه که امروز برای ما قابل توجه است، این است که عزیزان دشمن تا به امروز انقلاب ما را در این عصر، در این سطح از قدرت نمی‌دانست. الان دشمن پی برده که انقلاب قدرت دارد، انقلاب دارد جهان اسلام را یکپارچه می‌کند، انقلاب دارد مسلمان‌ها را به هم متصل می‌کند. با چهار تا مزدور دست‌نشانده‌ای که سر هر یک کشوری قرار بدهند، نمی‌توانند جلوی یکپارچگی امت اسلام را بگیرند؛ این را دشمن حس کرده است؛ لذا از امروز، دشمنی دشمن با این انقلاب چندین برابر شده است. همه توطئه‌هایش را به کار می‌برد، همه فتنه‌ها را عمل می‌کند به انحاء مختلف متوسل می‌شود تا انقلاب را از بین ببرد.

این تشییع جنازه‌ای که در عراق انجام گرفت، این اقبال و استقبال مردم در نجف و کربلا که بروز پیدا کرد، این نشان داد که آن مرحله یکپارچگی امت اسلام فرا رسیده است. دیگر امت اسلام ایران و عراق ندارد.

رسالت و مسئولیت ما هم در صیانت این انقلاب و در توسعه انقلاب، امروز با گذشته خیلی فرق دارد و خیلی رسالت و مسئولیت ما والا و خطیر است. ما باید انقلابی را حفاظت کنیم که دشمن با همه قدرت می‌خواهد آن را براندازی کند. تا به امروز، دشمن این‌قدر مصمم در براندازی انقلاب نشده بود که امروز شده؛ چون قدرت انقلاب را در تشییع جنازه نجف و کربلا مشاهده کردند و دیدند این انقلاب، بحث جهان اسلام است، بحث یک کشور ایران نیست؛ لذا سعی بر این دارند این انقلاب را کاملاً نابود کنند، همه فتنه‌هایشان را به کار می‌برند و انقلاب هم باید در داخل این کشور برای دشمن به نابودی برسد تا در دنیا نابود بشود؛ لذا انواع فتنه‌ها و عملیات توطئه دشمن را شما بعد از این در این کشور خواهید دید. تنها مسئله جنگ نیست که آمریکا بگوید «پس من تفاهم را کنار گذاشتم» جنگ را شروع می‌کنم. اتفاقاً جنگ را اگر شروع کند، هر مقداری که قدرت سخت آمریکا بخواد در جنگ نمایش داده شود، از قدرت نرم آمریکا در دنیا کاملاً کاسته خواهد شد.

است.

لزوم عبور نکردن مسئولین از جامعه انقلابی

دوم، مسئولین ما سعی کنند از جامعه انقلابی ما عبور نکنند. خوب، طبیعی است با یک مردم انقلابی زندگی کردن، مردم انقلابی مردم آزادند، مردم اندیشمندند. مردم انقلابی مردمی هستند که رشد سیاسی دارند. خوب، مردمی که رشد سیاسی داشته باشند و آزاد هم بخواهند حرف بزنند آزاد هم حرکت کنند، طبیعی است ممکن است برای بعضی مسئولین دچار زحمت بشوند و ایجاد زحمت کنند. مسئولین ما از جامعه انقلابی عبور نکنند. نظام انقلابی ما و هستی انقلابی ما با محوریت این جامعه انقلابی و این مردم انقلابی در این کشور ماندنی است و اگر این‌ها نباشند، نظام و انقلابی نمی‌ماند.

در مورد خون‌خواهی و انتقام، بنده یک بحث مفصلی دارم که در خطبه‌های آینده نماز جمعه این را عرض خواهم کرد. این مطلب ساده‌ای نیست. باید انتقام مظلومیت رهبری نصب‌العین مردم قرار بگیرد مردم با چشمشان ببینند و در این صورت انتقام واقعی گرفته شده است. آنچه که مهم است، این است که برادران، این جنازه در تهران، در قم، در عراق تشییع شد. دیروز هم در مشهد و نصف شب دیشب، این جنازه به خاک سپرده شد. شما الان چند متری قبر مقدس آقا نشسته‌اید. شما چه چیزی زیر خاک دفن کردید، آنچه زیر خاک دفن شد چه چیزی دفن شد؟ آنچه زیر خاک دفن شد، دو تا نمونه بود که زیر خاک دفن شد. دیشب، نصف شب، نمونه اول: نمونه پهلوی شکسته مادرش فاطمه علیها السلام بود. وقتی جمعیت ریختند در خانه، دیدند صدیقه طاهره برای اینکه خودش را از نامحرم حفظ کند، بین یک لگد بر این در نیم سوخته زد. خوب، زهرا بین در و دیوار، وقتی که بنا شد با یک لگد و یک فشار روبه‌رو بشود، شما فکر می‌کنید کدام استخوان بدن زهرا در هم شکست؟ دنده‌های فاطمه در هم شکست. یکی از افرادی که شاهد بدن نازنین آقا بود، وقتی که حالا غسل

یکی از آثار این تشییع جنازه این بود که شکست آمریکا را ثابت کرد. آمریکا در قدرت سختش که پیروز نشد. با همه سرکوبی‌ها، با همه مباران‌ها، با همه جنایت‌ها، ۳۲۰۰۰ موشک آمریکا و اسرائیل در طول این جنگ به طرف این کشور پرتاب گردید، اینها هیچ‌کدام اثر نکرد و مسیر قدرت سخت آمریکا هموار نشد و آمریکا قدرت نرمش را از دست داد. آنچه که ثابت کرد آمریکا قدرت نرمش را از دست داده در دنیا، این تشییع جنازه عراق بود که به خود آمریکا ثابت کرد قدرت نرم آمریکا شکست خورد و از بین رفت.

صیانت از انقلاب، در گرو تثبیت ارزش‌های آن در دل‌ها

برادران و خواهران، ما چطور این انقلاب را صیانت کنیم؟ دو عامل وجود دارد: یکی‌اش به شما مردم برمی‌گردد، یکی‌اش هم به مسئولین برمی‌گردد. آن عاملی که به شما مردم برمی‌گردد، تثبیت دل است. این دل‌هایی که جنازه را تشییع کردند، این دل‌هایی که مسیرهای طولانی را ایستادند، در گرما، در آفتاب، در سرما، تحمل کردند. این تشییع جنازه را، این دل‌ها باید تثبیت شود. این اشک‌هایی که ریخته شد و ریخته می‌شود، الان این‌ها باید تثبیت شود. امام صادق علیه السلام دستور دادند به صحابی‌شان که بگو: «یا الله، یا رحمان، یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک» این را بخواه خدا تثبیت دل به تو بدهد، این دل‌ها باید تثبیت بشود. این دل‌ها متوجه این شهید مظلوم شد، این باید تثبیت شود. این شهادت از این دل بیرون نرود، و این شهادت در این دل بماند. این عشق و مظلومیت در این دل بماند وقتی در این دل ماند اراده‌های ما تابع دل ما می‌شود. اراده ما اگر تابع دل ما شد، ما را در آن ریلی که مقام معظم رهبری شهید خودشان نصب کرده‌اند، در همان ریل حرکت می‌کنیم. پس این تثبیت دل برای ما یک چیز لازمی است، دل‌ها را تثبیت کنید و کاملاً این عشق را از حالت احساس به یک حالت باورمندی قوی و نیرومند در دل و مغز خودمان به وجود بیاوریم. این راه تثبیت دل

خدایا، به عزت اولیائت، نقطه انتقام از این مظلومیت را نصب‌العین یکایک چشم ما قرار بده. خدایا، آن انتقام واقعی از این مظلومیت را که به دست توانمند مولایم بقیه‌الله انجام می‌گیرد، تعجیل بفرما. ارواح مطهره شهدا، روح مطهر امام بزرگوار، روح مطهر امام شهید مظلوم ما را از پایمردی مردم ما در پای ستون خیمه این نظام، خشنود و راضی بگردان. پروردگارا، سایه پربرکت مقام معظم رهبری را در عین قدرت و نصرت بر سر ما مستدام بدار. دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار که دشمنان امام زمان هستند، از صفحه روزگار برانداز. خدایا، آمریکا و اسرائیل ناپاک، نجس‌العمل و رؤسای این دو کشور که ناپاک‌تر و رذل‌تر از این‌ها در بشر امروز وجود ندارد، با ذلت و حقارت و نکبت اعمال کثیفشان در همین زندگی برانداز.

.....

۱. الصّحیح من مقتل سیدالشّهداء و أصحابه علیهم‌السلام، محمد محمدی ری‌شهری، ص ۴۳۹.

می‌دادند یا قبل از آن، گفت: «من اول آسیبی را که متوجه شدم، دیدم دنده‌های آقا خرد شده، دنده‌های آقا شکسته است.» این نمونه مادر مظلومش فاطمه زهرا علیها‌السلام بود که دیشب اینجا در خاک دفن شد.

نمونه دوم: وقتی که اسرا را به شام آوردند، یزید ملعون دستور داد در یک روز تمام این فرماندهان لشکر عمر سعد بیایند گزارش بدهند جایزه بگیرند. خوب اینها یکی‌یکی می‌آمدند گزارش می‌دادند. یک مرتبه دید ده نفر با هم آمدند. گفت: شما چرا ده نفره با هم آمدید؟! مگر شما چه کار کردید که با هم ده نفره آمدید؟! جوابی که این‌ها دادند، اینها گفتند: «نَحْنُ رَضُّنَا الظَّهَرَ بَعْدَ الصَّدْرِ بِكُلِّ يَعْبوبٍ»^۱ ما کسانی هستیم که استخوان سینه امام حسین علیه‌السلام را ساییدیم. سوار بر اسب شدیم اسب را بر این استخوان‌ها تاختیم استخوان سینه را ساییدیم.

ای خدا! این بدن زیر آوار، آن‌چنان خرد شد که عین بدن مولا زیر سم اسب‌ها. و این بدن خردشده استخوان‌های سینه در هم شکسته در نیمه شب دیشب به خاک سپرده شد.

